

یاد آوری

از شادروان استاد کهزاد کتابها، مقاله ها، رساله ها و راپورهای زیادی در رابطه با آثار باستانی و تاریخی و داشته های موزیم های کشور وجود دارد که هر کدام قابل توجه و دارای ارزش فراوان میباشد. این آثار به ویژه در شرایط امروزی افغانستان قابل توجه میباشد زیرا اکثر آثار باستانی موزیم ها در این سه دهه اخیر به انواع و اقسام مختلف به یغما برده شده اند. در سالهای اخیر کار استاد کهزاد در موزیم و انجمن تاریخ افغانستان، موزیم های افغانستان مخصوصاً موزیم کابل به یکی از معتبرترین و گرانبهاترین موزیم های جهان تبدیل شده بود. ویرانی موزیم ها نه تنها از نقطه نظر مالی بلکه از نقطه نظر معنوی و تاریخی لطمه بزرگی به تاریخ و فرهنگ کشور وارد کرده است که جبران آن فوق العاده مشکل و یا حتی جبران ناپذیر میباشد.

متأسفانه قسمیکه در اخبار گزارش میشود هر روز بصورت سارقانه ساحات باستانی مورد دستبرد از خود و بیگانه قرار میگیرد و کسی توانائی حفاظت آنها را ندارد.

این رساله که تقدیم علاقمندان ارجمند میشود در سال 1315 یعنی 71 سال قبل به نشر رسیده بود.

داکتر فریار کهزاد
بنیاد فرهنگی کهزاد

31 دسامبر 2007 فلوریدا

بنياد فرهنگي كهزاد

موزه كابل

احمد علي كهزاد

انجمن ادبي كابل

1315

موزه کابل

احمد علی کهزاد

لفظ موزه «Musée»⁽¹⁾ اصلاً از کلمه یونانی «موزین Mouseion» گرفته شده و این کلمه در عرف یونانیان قدیم اصلاً به معبد و «میوزها Muses» یعنی رب النوع افسانه‌ی صنایع و در عین زمان به این مناسبت به تپه‌ی که در شهر «آتن» منسوب به این رب النوع شده بود، اطلاق میشد. پسان‌تر این کلمه کمی از معنی اساسی خود برآمده و در عصر بطلمیوس شاه مصر بیک حصه‌ی از قصر اسکندریه که در آنجا علما و فیلسوفان بزرگ وقت را شاه مذکور جمع نموده بود و کتابخانه بزرگی هم داشت، داده شد. آهسته آهسته با مرور زمان و مقتضیات سیر مدنیت معنی این کلمه گشاده و جامع‌تر شد. بار اول بیک نوع مؤسسه‌های اطلاق میشد که در آن فقط آثار تاریخی قدما را جمع نموده بودند. به این معنی و در این وقت موزه فقط عبارت از یک عمارتی بود که در آن تنها یک عده اشیا را از نقطه نظر قدامت تاریخی می‌گذاشتند.

کم کم با تحولات دیگر در بین دایره اخیر هم معنی کلمه «موزه» انبساط یافته و موزه‌ها در شعبات مختلف زندگانی بمیان آمد. مانند موزه‌های زراعتی، فلاحتی، فضائی، بحری و موزه‌های متعدد و مختلف فنون و ادوات عسکری، موزه‌های تخنیکی و اکتشافات قطبی و غیره و غیره. در بین صورت اخیر «موزه» و «کولکسیون» که پسانتر از آن مفصل‌تر صحبت خواهیم کرد، در معنی مترادف هم شدند زیرا «کولکسیون» عبارت از «اجتماع یک عده اشیا» است و طوریکه دیدیم موزه‌های فوق هم هر کدام بجای خود یک «کولکسیون» بزرگی میباشد که یک‌عده اشیا مربوط بیک موضوع معین در آن جمع گردیده است.

چون این موزه‌های اخیرالذکر برخلاف موزه‌های قدیم مخصوصاً برای مطالعات و افزایش احاطه علمی شایقین تأسیس شده و مفهوم تازه‌ی بخود گرفت، بشکل مؤسسه‌نو در آن تغییراتی بعمل آوردند و قبل از همه کتابخانه مخصوصی به آن علاوه کردند. در بین وقت موزه‌ها وضعیت رکود و خمود خود را از دست داده و در اثر مراجعه و مطالعه ارباب ذوق، شکل یکنوع مکتب یا دارالمطالعه مخصوصی بخود گرفت. چنانچه موزه‌خانه‌ها در عصر حاضر بحیث محل مطالعات تاریخی، ادبی، علمی، صنعتی، تخنیکی و غیره میباشد که در آن آثار و کتب مربوطه یکجا در دسترس شایقین است.

از نیمهٔ اخیر قرن 19 باینطرف یک‌عده مؤسسات دیگر هم اگرچه بمرام و نشان علیحده عرض اندام نموده اند، در حقیقت کار موزه را می‌دهند. این مؤسسات بنام های «گالری»، «اکسپوزیسیون» و «کولکسیون» و غیره یاد میشوند. وظیفهٔ اجتماعی آنها قرار آتی است:

«گالری Gallery» که معنی لغوی آن اصلاً دهلیز است، امروز فقط به موزه هائی اطلاق میشود که در آن آثار خامهٔ نقاشان و رسام های معروف را میگذارند و دیوارهای بزرگ آنرا فقط با تابلو های مختلف مزین میکنند.

«اکسپوزیسیون Exposition» که به اصطلاح امروزی به کلمهٔ «نمایشگاه» ترجمه میشود، هم در حقیقت یکنوع «موزهٔ موقتی» است که تنها اختصاص به آثار تاریخی ندارد بلکه بیشتر با داشتن جنبهٔ تجارتي برای سراغ بازار مال التجاره و فروش اموال تاسیس میشود و محرک بزرگ آن در ین اواخر بحران عالمگیر اقتصادی است چنانچه پشت هم در ین چند سال اخیر این نمایشات در شهر های اروپا مروج شده و امسال بزرگترین آن بنام «نمایش پاریس» در پایتخت فرانسه افتتاح خواهد شد.

«کولکسیون Collection» هم با مفهوم امروزی خود مترادف موزه شده و میتوان آنرا «موزهٔ شخصی» یا «انفرادی» نامید و این عمومی ترین شکل موزه است که هر شخص مطابق ذوق و سلیقه و تخصص خود تشکیل داده میتواند. چنانچه در اروپا و امریکا میلیون ها نفر از خود کولکسیون ها دارند و مطابق ذوق خود هرکسی از مسکوکات و تکت پسته گرفته تا پروانه و حشرات و هزاران چیز دیگری که در فکر ما هنوز خطور هم نکرده است، جمع آوری میکنند و این شوق در بین بعضی پولدارها با مرور زمان بدرجهٔ زیاد شده که تمام دارائی خود را در ین راه وقف نموده اند. چنانچه اکثر موزه های بزرگ دنیا که امروز بیننده را واله میسازد، در اوائل کولکسیون شخصی کدام صاحب ذوق ثروتمندی بوده که در زندگانی و یا بعد از مرگش بدست دیگری افتاده و یا از جنبهٔ اهمیت، حکومت آنرا خریداری کرده و احاطهٔ آن وسعت یافته و یک موزهٔ عظیم الشان گردیده است.

حالا که قرار بحث فوق مختصراً معنی کلمهٔ «موزه» و تحولاتش گفته شد، میرویم به اصل مقصد که موزه در افغانستان چه وقت بمیان آمده و آثار موضوعهٔ موزه فعلی کابل [1315] عبارت از چیست؟

موزه از نقطه نظر شق «عتیقه فروشی» در افغانستان در زمانه های قبل الاسلام وجود داشت زیرا در بامیان که برای زوار خارجی که مثل یک «موزهٔ مذهبی» بود، در مجاورت مجسمه های بزرگ، دکانهائی وجود داشت که بنام «بیادگار بامیان» هیکل های کوچک و مجسمه های بزرگ و میناتور های تصاویر رنگه و دیگر تصاویر عجائب نقاشی، مهندسی و رسامی این محل معروف را میفروخت

چنانچه نمونه های کوچک مجسمه های بزرگ بامیان ذریعۀ زوار تا به جاپان هم رسیده است. همین طور هیچ شبیه ئی نیست که در هده هم بوده باشد زیرا بزرگترین مکاتب و کارخانه های هیکل تراشی این مقام حتماً مغازه هائی داشته که مانند عتیقه فروشان امروز آثار گرانبهای این جا را به زوار و ارباب ذوق میفرختند.

موزه به معنی «کولکسیون شخصی» هم در افغانستان بی سابقه نیست بلکه از چندین قرن باینطرف همیشه صاحبان ذوق زیادی در ین دیار زیسته و هر کدام به گردآوری آنچه علاقه داشته، زحمت زیاد کشیده اند. اگر خوب موضوع کولکسیون ها مطالعه شود، دیده میشود که مانند ذوق واحدی که تا این اواخر بیشتر در عالم شرق رواج داشت، همه جنبۀ ادبی داشته مانند کولکسیون های کتب قلمی، کولکسیون های اشعار نایاب در بیاض ها و جنگها، کولکسیون های میناتور و عکسها، کولکسیونهای نمونه های خطی خوش نویس بزرگ، کولکسیون گل ها و نباتات قشنگ، بالاخره کولکسیون البسه ملی و مسکوکات و تکت پسته و غیره. یک چیز دیگری که بیشتر ذوق ملی و روح شهامت قومی ما را ارائه میکند و بیشتر اختصاص به افغانستان دارد، کولکسیون اسلحه است. چنانچه از زمان قدیم این رویه معمول بوده و امروز در اکثر خانه ها در نتیجۀ کولکسیون اجدادی آنها به سلیقۀ قشنگی موجود است. ذوق کولکسیون خوشبختانه در ین سالهای اخیر در مملکت ما بیشتر تر شده و امروز ارباب ذوق بسیار چیزهای دیگری را که سابقاً به آن اهمیت داده نمیشد، میخرند، جستجو میکنند و با ذوق شخصی خود کولکسیون میسازند.

بالاخره موزه به معنی مختص حفظ آثار تاریخی اگر چه بار اول در 1297 هه ش یعنی 19 سال قبل [از 1315] تأسیس شده لیکن شاهان با ذوق افغانستان با سلیقۀ خویش قبل از این تاریخ کولکسیون های بزرگ شخصی داشتند که هر کدام اهمیت یک موزه را جایز بود چنانچه «میخ زین ها» و «صندوق خانه های جنسی» بزرگ سلطنتی از موزه گران بهاتر و چیزهای نادر و قیمت دار در آنجا پیدا میشد. طوریکه ذیلاً خواهیم دید، شالوده اساسی موزه فعلی کابل ما را همین کولکسیون های شخصی و آثار صندوقخانه های جنسی قدیم آنها تشکیل داده است.

موزه قراریکه بالا ذکر کردیم، رسماً بار اول در سال 1297 هه ش تأسیس و عمارت اولیۀ آن عمارت تاریخی «باغ بالا» بود که در سه کیلومتری غرب کابل بالای تپه ئی در میان تاکستان قشنگ «9 برج» افتاده و تعمیر آن یادگار عصر سلطنت امیر عبدالرحمن خان است. موزه در بدو تأسیس خود مربوط به «شاه آفاسی» حضور پادشاه بوده و اولین مرحلۀ مدیریت آن به جناب غلام محی الدین خان مدیر فعلی موزه و جشن سپرده شده بود و آثار اولیۀ آن عموماً کولکسیون های شخصی شاهان افغانستان و محتویات صندوقخانه های جنسی تشکیل میداد، یعنی آنچه در موزه دیده میشد، تماماً کتب قلمی، زره و خود و اسلحه و البسه ملی شاهان و اقوام، زر دوزی ها، خامک دوزی ها، مبل و اثاث البیت، علم های جهاد، صندوق های عاج و چوبی منبت شده، بساط های شطرنج، نمونه های

خطی، ظروف و مسکوکات و غیره از این قبیل چیزها بود. موزه در سال 1299 از دایره شاه آقاسی شاه منفک و به وزارت معارف مربوط گردید چنانچه مانند تشکیلات سایر ممالک تا حال به وزارت معارف مربوط است.

در سال 1300 هـ ش مطابق 1922 مسیحی پس از اینکه امتیاز حفریات به هیئت علمی فرانسه داده شد، وضعیت محتویات موزه کابل تغییر کرد زیرا قراریکه بعدها مفصلاً خواهیم دید، از آن تاریخ به بعد در اثر کاوش های علمی که شده رفت، آثار گرانبهائی از سینه خاک بیرن آمد طوریکه امروز یک حصه بزرگ اهمیت موزه ما به آن منسوب است.

در 1302 موزه کابل از «باغ بالا» تغییر محل داده و به نفس کابل در داخل ارگ شاهی در عمارت قشنگ و تاریخی دیگر که وجود آن از لحاظ ظرافت منحصر به فرد است و معمولاً «سراچه» یا «کوتی باغچه» خوانده میشود، انتقال یافت. موزه شش سال حیات خود را در اینجا گذرانید و این زمانی بود که تازه سر و صورت آن قشنگ شده بود زیرا بر علاوه اینکه آثار اسلامی و ملی آن بیشتر شده بود، در اثر حفریات هده و بگرام و نتیجه فوق العاده که از نقطه اول الذکر بدست آمد، قسمت آثار قبل الاسلام آن هم یک دفعه دو چند بالا رفت زیرا بلاانتظار و تصور طوریکه موسیو «گودار» میگوید «یک موزه آثار صنعت گریکوبودیک» مکشوف شد و هزاران مجسمه گک های قشنگ چونه ئی، سنگی و لوایح مهم تاریخی دیگر به موزه افزوده شد. اگر چه بواسطه عدم وقت ترتیبات اصولی آثار جدید فوق عملی نشده بود، معذالک موزه کابل در ین وقت بلامبالغه یکی از غنی ترین و مهمترین موزه های مشرق حساب میشود. انقلاب 1307 - 1308 طوریکه اکثر مراکز علمی، مکاتب، لابراتوارها، کیمیا خانه ها، کتابخانه های ملی و شخصی و اکثر عمارات تاریخی ما را به آتش خود سوخت، موزه ما را هم امان نداد و چون این موسسه در داخل ارگ سلطنتی بود، بیشتر مورد حمله قرار گرفت و در نتیجه آثار گرانبهائی آن بدست های از خود و بیگانه افتاده و آخر کار به جاهای باز ناگشتنی رفت. بعد از روزگار سیاه انقلاب خوشبختانه وضعیت بحران انگیز موزه ما بعد از تلفات زیاد خاتمه یافته و جراحات دل پاره پاره این موسسه تاریخی هم رو به التیام گذاشت.

چون محل موزه در داخل ارگ سلطنتی مناسبت نداشت و از طرفی جای آنها بسیار خرد بود، در اواخر 1309 یکی از بزرگترین عمارات که اساساً برای موزه خیلی موزون است، چه از حیث داشتن مدخل بزرگ، محوطه نیم دایره، دهلیز های طولانی، زینه های پر بر و عریض، اطاق های مهم وسیع و طبقات متعدد به مقتضیات این موسسه موافق است و بیننده را حتماً زیر تأثیر میگیرد، در دارالامان در اختیار موزه کابل گذاشته شد.

برای جبران تلفات وارده پس از اینکه وزارت معارف مجدداً تأسیس شد، از طرف حکومت پول هنگفتی برای موزه هم اختصاص داده شد تا در دایره امکان از آثار قدیم آن و اشیای جدید خریداری شود چنانچه در میان کتب و آثار اسلامی بعضی

چیزهای قدیم که بدست آمده دو باره خریداری شده است. از پول هنگفتی که فعلاً در این سنوات اخیر، مخصوصاً در سال جاری در بودجه وزارت معارف برای موزه اختصاص داده شده بخوبی معلوم میشود که حکومت فعلی ما در حفظ آثار و افتخارات ملی چه در موزه و چه در حفاظت ابنیه تاریخی اهمیت فوق العاده میدهد و بعلاوه بودجه مخصوص موزه در نگهداری عمرانات با عظمت گذشته ما از دگر کمک های مادی و معنوی هم خودداری نمیکند چنانچه در این چند سال خارج از بست وزارت معارف در مرکز و ولایات مملکت مقبره شاعر و حکیم بزرگوار مشرق «سنائی» غزنوی و آثار با عظمت بامیان و مقبره های احمد شاه درانی و میرویس خان هوتکی و مزار متبرک حضرت تمیم، مقبره بابر شاه، شهر تاریخی بلخ، بالاحصار کابل، مزار شاه دوشمشیره و بسیار عمارات تاریخی دیگر ترمیم و آباد شده و روی هم رفته علاقه حکومت متبوع ما را در حفظ شئون افتخارات ملی آرائه میکند.

روی هم رفته پولی که در 1315 برای موزه در بودجه وزارت معارف منظوری یافته است، مبلغ زیاد و متنابه است که برای اداره فعلیه موزیم کابل کافی شمره میشود.

موزه کابل با تمام تحولاتی که در این عمر 20 ساله حیات رسمی خود دیده و تلفات وارده و باز اصلاحات و ترمیماتی که در آن بعمل آمده بصورت مجموعی از نقطه نظر عصری که اشیا بدان تعلق دارند، به دو حصه تقسیم میشوند: یکی حصه و یا آثار اسلامی و دیگر حصه و یا آثار قبل از اسلام. اگر چه عمارت دو منزله موزه مادناً زمینه خوبی برای جدائی آثار این دو عصر فراهم کرده و بصورت عمومی تا جائی این منظور مراعات هم شده چنانچه آثار عصر اسلامی در منزل فوقانی و آثار قبل الاسلام در منزل تحتانی میباشد.

آثار عصر اسلامی:

آثار عصر اسلامی موزه کابل که عموماً در ابتدا شالوده این موسسه را تشکیل میداد و تا چند سال اولی غیر از آن چیز دیگر در آن نبود، عموماً عبارت است از: قرآن شریف قلمی بخط کوفی و عربی، کتب قلمی و میناتوری، اسلحه و البسه شاهان و اقوام مختلف کشور، نمونه های خطی، ظروف مسی عصر تعالی غزنی و غور، خامک دوزی و سوزن دوزی، آثار نقاشی غزنی، ظروف و اشیای سنگی قندهاری و غیره. اینطور اشیا چون قبل از انقلاب در موزه وجود داشت و چشم متهاجمین هم به اهمیت آنها آشنا بود، بیشتر صدمه کشیده و تلفات داده معذالک آنچه موجود است، معروف ترین آن بصورت خلص قرار آتی است:

در منزل بالا در اطاق تبرکات اشیای مقدسه:

نمره 83/1: بعضی آیات قرآن کریم بخط کوفی بقلم حضرت سیدنا عثمان رضی الله تعالی عنه.

نمره 84/2: بعضی آیات قرآن کریم بخط کوفی بقلم حضرت علی کرم الله وجهه.

نمره 85/3: بعضی آیات قرآن کریم بخط کوفی بقلم حضرت امام حسن (رض).

نمره 86/4: بعضی آیات قرآن کریم بخط عربی در پرده دل آهو.
نمره 87/5: بعضی آیات قرآن کریم بخط کوفی بقلم حضرت علی (رض).
نمره 90: سه جلد قرآن شریف بزرگ که از روی قرآن کریم خط کوفی حضرت عثمان رضی الله تعالی عنه عکس گرفته شده است.
نمره 91: قرآن مجید مترجم رسم الخط کوفی کاغذ نباتی خانبالغ از اول سورۀ شعرا و ترجمۀ آن بخط نسخ عربی که از نواحی خرابه های شهر غلغله بامیان در 1334 هجری قمری پیدا شده است.
نمره 99: عکس نامۀ حضرت سرور کائنات بنام مقوقس مصری.
نمره 96: عکس نامۀ حضرت پیغمبر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم عنوان مندر بن ساوی ملک بحرین بخط کوفی.

کتب معتبر قلمی کتابخانه موزه (منزل بالا):

هفده کتاب در یک وقایه:

این هفده کتاب عبارت است از آثار سه شاعر نامی بزرگ: مولانا جامی، نظامی گنجوی و امیر خسرو دهلوی. اسمای آنها قرار آتی است:
هفت اورنگ جامی «سلسلۀ الذهب، سلامان و ابدال، تحفة الاحرار و سبحة الابرار، یوسف زلیخا، لیلی مجنون، خرد نامۀ اسکندری».
خمسۀ نظامی «مخزن الابرار، خسرو شیرین، لیلی مجنون، هفت پیکر، سکندرنامه».

خمسۀ امیر خسرو دهلوی «مطلع الانوار، خسرو شیرین، لیلی و مجنون، هشت بهشت، آئینۀ اسکندری». این مجموعه نفیس تماماً مصور و مطلا است و کتابت آن در 899 هجری تمام شده است.

مثنوی مولوی:

اثر مولانا جلال الدین محمد بن حسین بلخی است که در 672 وفات نموده اند. این کتاب گران بها شامل شش دفتر، هفت دیباچه و شش فهرست و یک مقدمه است.

دیوان بیدل:

به خط نستعلیق و مجدول به آب طلا در قریۀ «غجدوان بخارا» در سنه 1278 هه نوشته شده و از طرف سید عالم خان امیر بخارا بحضور پادشاه افغانستان امیر حبیب الله خان بصورت هدیه تقدیم شده است.

دیوان خواجه حافظ:

مصور و مجدول به آب طلا. خطاط و مصور آن محمد محسن نام دارد و در 907 هه بنام سلطان حسین میرزا پادشاه هرات نوشته شده است.

بهارستان جامی:

در سال 802 تالیف و در 983 هجری بقلم علی رضا نام تحریر شده است.

بوستان شیخ سعدی:

به خط میر عماد الحسینی در 1013 هه تحریر شده است.

عین الایمان:

کتاب جناب سعد الدین صاحب پای مناری متصوف قرن 13 هجری بقلم خود شان.

بوستان سعدی:

مذهب و جدول بخط علی الحسینی که در 921 هه تحریر آن تمام شده است.

تاریخ سلطان ابوسعید بهادر خان:

که یکی از پادشاهان قرن 8 هجری افغانستان است و در 981 بقلم عبدالحمید نام نوشته شده است.

یوسف زلیخا:

ناظم هروی بخط شکست ترکستان.

حمام بندی شیخ سعدی:

به خط نستعلیق خطاط معروف میر عطا محمد شاه آقای قندهاری متوفی در سنه 1341 هجری.

کتاب غزلیات سعدی:

خط میر محمد بن علی که در 1012 هه تحریر و در 1337 هه از طرف امیر بخارا بحضور امیر حبیب الله خان، پادشاه افغانستان تقدیم شده.

میناتور و نمونه های خطی:

اگرچه در میان کتب فوق الذکر بسیار آن مصور و حایز میناتور میباشند، علاوه بر آن در موزه کابل، در منزل تحتانی دهلیز طرف راست یک اطاق برای آن مخصوص شده و بر علاوه به دو طرفه زینه که به منزل فوقانی میرود هم در میان چوکات ها یک عده میناتورها مشاهده میشود. بدبختانه از این قسمت موزه کابل بیشتر در انقلاب تلفات داده و مخصوصاً آثار گرانبهای بهزاد هروی کمیاب شده. فعلاً آنچه در اطاق مخصوص و سرزینه دیده میشود، اثر خامه سائر استادان هراتی و کابلی وطن و بعضی هم سبک هندی و بخارائی و معروفترین آن قرار آتی است:

نمره 59 قطعه میناتور حالات حضرت یوسف علیه السلام و زلیخا و عزیز مصری.

مجلس امیر تیمور کورگان با وزرا و اراکین دولتش.

شبیه میر علی هروی متوفی در 866 هجری.

شبیه ملا دو فیضه عالم معروف قرن 11 هجری.

سواری شاه جهان بر فیل.

شبيه اكبر شاه ثانی و غيره كه در اين جا تذكر آن بطول می انجامد.

از جمله نمونه های خطی معروفترین آن قرار آتی است كه در دیوار سمت راست محوطه نیم دایره دم مدخل موزه نصب است.

نمره 49 رسم الخط امیر علی هروی.

نمره 46 قطعه خط عبدالرحمن الحسینی.

نمره 51 قطعه خط حسن شاملو.

نمره 150 قطعه خط «**كلمه شهادت**» بقلم جلی سید عطا محمد شاه قندهاری خطاط معروف عصر سراجیه و غيره.

ظروف و اشیای فلزی غزنی و غورات:

غزنی پایتخت زیبای سلطان محمود كه در عالم اسلام در زمان ترقی و شكوه خود با بغداد پایتخت خلفای اسلامی همسری میکرد، بعلاوه میناره ها و آبدات، مزارات و لواجی كه امروز در شهر قدیم آن مشاهده میشود، آثار گرانبهائی از آن مدنیت مشعشع در دل خاك پنهان است. چنانچه باوجوديكه هنوز حفريات علمی در آنجا نشده ساكنین محل همیشه حین خاك كشی و كشت و كار شواهدی دیده و آثاری یافته اند. خوشبختانه آثاریكه از غزنی تا حال پیدا شده و میشود، اكثرأ فلزی است و باین مناسبت در مقابل كزند زمان و اثرات ته زمین خوبتر مقاومت توانسته اند.

همچنین غورات كه در مدنیت اسلامی همسر غزنی است، از ین قبیل آثار زیاد دارد كه مشتمل نمونه خروار چند ظرفی تا حال به موزه كابل رسیده است. آثاری كه از غزنی و غورات بدست آمده در دهلیز طبقه اول موزه روی میزهای آئینه دار گذاشته شده كه مهمترین آن قرار آتی است:

میز اول دهلیز طرف راست:

نمره 63 ك ت: پله ترازوی برنجی. در وسط آن در میان 12 دایره كوچك اشكال بروج قمری و در حاشیه آن مضمونی بخط كوفی مرقوم است.

نمره 28 ك ت: چراغ برنجی كه از غورات بدست آمده است.

نمره 67 ك ت: چراغ كوچك دسته دار تیل دانی نما كه 2 نیم انچ بلندی دارد و از غور پیدا شده و اثر كار اوئل قرن 6 هجری میباشد.

نمره 115: پایه چراغ بلند برنجی آثار قرن 4 هجری غزنی.

نمره 66 ك ت: چراغ دستی، دسته و پایه آن شكسته. خط كوفی هم دارد و از غزنی پیدا شده.

میز دوم:

نمره 65 ك ت: كرائی بزرگ. قطر دایره آن 37 سانتیمتر، بلندی 18 ونیم سانتیمتر. در قسمت داخلی در ته آن مانند پله ترازوی فوق الذكر اشكال بروج قمری و در حاشیه داخلی مضمون ذیل به رسم الخط كوفی تحریر است. «**البركة**

و البضاعة و الثروة و السعادة و المظمة و اسلامة و النصره و الندره و النعمة و

الثمرة». در قسمت خارجی در پشت کرائی هم مضمونی به رسم الخط کوفی نقش بوده ولی خوب خوانده نمیشود. این ظرف از غزنی پیدا شده و کار قرن 4 هجری است.

پطنوس منقش برنجی که در حاشیه آن چیزی به خط لاتین قدیم تحریر است و از غزنی پیدا شده.

دو قاب نظیر هم، کار قرن 4 - 5 هجری: در وسط تصویر شیر و در حاشیه آن این مضمون به خط کوفی نوشته است: «**بالیمن و البرکة و الدولة و السلامة و السعادة و تسود الکرامه**».

قاب 16 رخ برنجی اثر کار قرن 5 هجری. در وسط «**بالعافیه**» نوشته دارد. جام مسی: رباعی در حاشیه خارجی آن بفارسی نوشته است که سه مصرع آن بخوبی خوانده میشود:

در سر هوس چو جام داری
ایام گل است و مهربانی
با لاله رخان ارغوانی
.....؟

این جام اثر دست مسگران هرات است و چندان قدیم معلوم نمیشود. نمره 60/254: پارچه سنگ رخام. تکه قسمت فوقانی گلدسته ایست که بهر دو طرف هنوز کلمه **(الله)** خوانده میشود. تنها پارچه سنگی است که بنای باشکوه و زیبای «**قصر فیروزه**» غزنی را نمایندگی میکند.

میزهای سمت چپ دهلیز:

نمره 80 ک ت: سماوار بی دودرو برنجی سیاه شده که در سال 1317 از شهر غزنی پیدا شده و در حاشیه سرپوش خود نوشته کوفی دارد. از اقسام فلزات بر علاوه چیزهایی که از غزنی و غورات پیدا شده از سائر جاها هم بعضی تکه ها در موزه موجود است مانند بعضی سماوارهای بلخی و بدخشی و بعضی جام ها و ظروف دیگر که حین تسطیح سرک شکاری کشف شده است.

اسلحه:

موزه کابل برای حفظ اسلحه که صنعت آن در مملکت ما بر طبق روحیات ملی همیشه ترقی شایانی داشته، اطاق خیلی بزرگی در منزل فوقانی موزه تخصیص داده است. در این اطاق از ازمینه قرون وسطی گرفته تا حال زره، خود، تیر و کمان، شمشیر، کرچ، تلوار، خنجر، سیلاوه، سپر، علم های جهاد و تفنگ های مختلف که از حیث وزن نسل معاصر آنرا برداشته نمیتواند به ترتیبی چیده شده که بر بیننده حتماً جذبه تولید میکند و در میان آن یادگارهای خوبی از شاهان سپاهی منش و عساکر و دلاوران ملی موجود است که بعضی را در این جا بطور خلاصه یادمانی میکنیم:

سینه بند و خود برنجی اعلیحضرت امیر شیر علی خان مرحوم. خود مذکور در مقابل و دو طرف خود سه عدد نشان دارد و اشکال آن عبارت از روی شیر است که موهای گردن آن مثل خوشه گندم در اطراف حلقه بسته است.

قبره بیرق امیر دوست محمد خان که به دو طرف خود نوشته دارد و سنه آن 1274 هجری است. طرف راست «یا حی یا قیوم - من صبر مظفر نصر من الله و فتح قریب و بشر المومنین سلام قولاً من رب الرحیم». طرف چپ آن «بسم الله خیر السماً، یا فتاح، انا فتحنا پیشوا، نصر من الله و فتح از قفا، سالم رود نافع بیا، والله خیراً حافظاً».

نمره 45/38: پیش قبض امیر کبیر امیر دوست محمد خان.

نمره 34/36: شمشیر امیر شیر علی خان.

نمره 42/35: خنجر وزیر اکبر خان غازی.

نمره 44/37: شمشیر امیر عبدالرحمن خان.

نمره 47.41: تفنگچه امیر عبدالرحمن خان.

نمره 79.88: بیرق نظامی عصر امیر عبدالرحمن خان. پارچه آن سبز و سرخ و در وسط آن دایره سفیدی است که در وسطش محراب و منبر و اطراف آن دایره دوم (افواج نظام دولت افغانستان) تحریر است.

نمره 90/81: علم سیاه عسکری یادگار مقدس جنگ استقلال در محاذ وزیرستان و فتح (تل).

نمره 34/41: 5 عدد بیرق های ملی اقوام افغان و یادگار کامیابی های دلاورانه هموطنان ما در جنگ 1298 هه «میوند». متن پارچه های این علم ها آبی، حاشیه آن سفید و در وسطش متن آبی دایره سفید دیده میشود. نوشته ندارد.

علاوه بر اشیای فوق بصورت متفرق توپ های قدیمه، تفنگ های طلاکوب شمخال، زره، سپر، خود، باروت دانی ها و غیره چیزهای متفرق زیاد است.

اشیای سنگی قندهار:

قندهاریها همانطوریکه در میان اهالی وطن ما به نظافت و خوشگذرانی و سلیقه در تزئینات البسه ملی معروف اند در صنایع ظریف هم شهرتی دارند چنانچه خامک دوزی، زر دوزی، حجاری ظروف سنگی و اشیای لطیف و قشنگ شاه مقصودی، ظروف مسی آن شهر زیبا از تمام مملکت ما شهرت بسزا دارد. اگر چه بدبختانه موزه کابل در شعب مختلف فوق الذکر عجالاً آنقدر اشیا ندارد که بصورت کامل مقام ذوق صنعتی اهالی قندهار را نشان داده بتواند زیرا برای این مطلب یک موزه مستقل ضرور است که به تازگی در قندهار تاسیس شده معذالک بعضی آثاریکه اکثر آن سنگی است برای ارائه ذوق صنعتی اهالی قندهار موجود است از آنجمله دو تخته دروازه مرمری است که یکی از استادان اخیر قندهار محمد حسن نام در سال 1300 هجری قمری ساخته و کمال مهارت چکش و قلم او را ثابت میکند. غیر از این سائر اشیای سنگی که در دهلیز قسمت فوقانی موزه گذاشته شده عبارت از کاسه ها، جام ها، غوری ها، بشقاب ها، سگرت دانی ها، گلدانی های قشنگ یشم است که بدون نقش و نگار بصورت خیلی ساده ساخته شده و از حیث شکل و اندام و تازگی جدار و شفافی خیلی قابل تمجید است. در میان اشیای سنگی قندهار تکه مهمی که باید ذکر گردد و بعقیده بنده در میان اشیای عصر اسلامی موزه کابل خیلی مهم است یک دیگ بزرگ سنگی است که قرار

احتمال پیش از عصر اسلام هم بصورت ساده موجود بوده و در عصر اسلام در صفحات داخلی و خارجی آن شرح مبسوطی بزبان عربی نوشته اند و اطراف لبه خارجی که خوانده شده معلوم میشود که این دیگ بزرگ بکدام مدرسه قندهار وقف شده است.

از خامک دوزی، زر دوزی، چکن دوزی، سورنی و غیره کارهای دوخت که در قندهار و تمام افغانستان مروج و هر قبیله و نقطه افغانستان اختصاصات متمایزی دارند، چیز زیادی در موزه نیست جزء چند پارچه محدودی که در یک اتاق مخصوص در منزل فوقانی گذاشته شده و عبارت است از:

نمره 209: ابریشم دوزی اهالی وردک.

نمره 211: ابریشم دوزی اهالی هرات که اصلاً پارچه پیراهن زنانه بوده و آنرا پطنوس پوش ساخته اند.

نمره 143: صنعت چکن دوزی بلخ.

نمره 208: سوزن دوزی اهالی میدان بالای پارچه پنبه ئی سفید، ابریشم سرخ و آبی و زرد کار شده.

نمره 139: کمر بند و دوکیسه پول سوزن کاری اهالی غزنی

نمره 110: ابریشم کاری اهالی وردک

نمره 207: پارچه بقدر 2 سانتیمتر مربع که از تپه مرنجان در 1312 در ضمن کشف مسکوکات طلائی شاهان کوشانی پیدا شده و نظیر آن چندین عدد بود که در میان هر دو سکه یکدانه از آن گذاشته شده بود و مربوط به عصر قبل الاسلام است.

باقی اگرچه در بین مورد چیزهای دیگر گفتنی زیاد است، بواسطه ضیق صفحات این رساله از آن صرف نظر نموده به ذکر بعضی آثار قسمت سوم موزه یعنی اشیای عصر قبل الاسلام میپردازیم.

آثار عصر قبل از اسلام:

آثار قبل الاسلام که در موزه کابل بعد از انقلاب رو به کثرت گذاشته و امروز قسمت بزرگ منزل تحتانی موزه را اشغال نموده از سالهای اخیر زمان قبل از انقلاب هم به تعداد زیاد وجود داشت زیرا پیش از بحران 1307 - 1308 هم چند جایی مثل هده، بگرام و پایتاوله حفاریات شده و آثار فوق العاده زیاد خصوصاً از هده و بگرام بدست آمده بود. چنانچه تعداد آثار هده از صدها گذشته به هزارها رسیده بود. از میان آثار نقاط فوق الذکر حین انقلاب آثار هده بیشتر تلفات داده و صدمه کشیده زیرا چون آثار این جا عموماً چونه ئی و زود شکن بود، نسبت به آثار سنگی بگرام و پایتاوله در اثر صدمات وارده زودتر شکسته است ولی چون تعداد آن زیاد بود با وجود تلفات هنوز نسبت به آثار و شواهد تاریخی تمام نقاط افغانستان اشیای مکشوفه هده بیشتر است و سه دالان بزرگ را در منزل تحتانی موزه در دهلیز سمت چپ اشغال نموده است.

بعد از انقلاب چون دامنه حفاریات دو باره انبساط یافت و یک رشته کاوش های علمی در بامیان، نقاط اطراف کابل مثل تپه مرنجان، کوتل خیرخانه، تپه خزانه،

نجراب، لوگر، غوربند و غیره نقاط وطن بعمل آمده نتایج آن ذخیره آثار قبل الاسلام موزه را خیلی وسعت داد. رویهمرفته آثار عصر قبل الاسلام که امروز در منزل تحتانی موزه چندین اطاق را اشغال نموده و عامل شهرت موزه کابل در نظر مدققین خارجی می باشد، بلا استثنا از هر نقطه افغانستان که بدست آمده باشد تا حال فقط محدود به یک دوره معینی است که از حوالی قرن اول مسیحی الی قرن 8 را در برمیگیرد و از نقطه نظر دیانت و مدنیت تمام آن به استثنای هیکل های چوبی نورستان که از آنها آتیا بحث خواهیم نمود و بعضی مجسمه گک های کوچک گل پخته که از شهر بانو و خلم قدیم حوالی تاشقرغان فعلی بدست آمده مربوط به دیانت بودائی است که مدت هشت صد سال در ین سرزمین رواج داشت زیرا حفریات قصداً تا حال در همین دوره مدنیت شده و آثار هم از همین دوره معین تا حال در موزه جمع شده است.⁽²⁾

پس اگر خواسته باشیم که فهرست مکمل اشیای موجوده عصر قبل الاسلام افغانستان را در ین مختصر محض نام ببریم، امکان ندارد زیرا از گنجایش این رساله بمراتب بیشتر است لذا با اختصار لازمه و با مراعات تاریخ حفریات، آثار برجسته نقاط مختلف افغانستان را که فعلاً در موزه کابل موجود است، ذیلاً بیان میکنیم:

آثار هده:

هده که در 8 کیلومتری جنوب شهر فعلی جلال آباد واقع و حفریات آن در سال 1302 به ایمای موسیو «فوشه A. Foucher» رئیس هیئت حفریات فرانسه ذریعه موسیو «گودار A. Godard» شروع و موسیو «برتو Bertoux» آنرا ادامه داد، از نقطه نظر مواد دو دسته آثار داده است: گچی و سنگی. چون کار گچ سهلتر و قالب گیری هم دست هیکل تراشان را سبک تر ساخته است، نسبت به آثار سنگی اشیای گچی خیلی متعدد و قشنگ تر اند. آثار هده مخلوط با اشیای بگرام و پائناوه طوریکه پیشتر گفتیم در دهلیز سمت چپ موزه در سه اطاق چیده شده که دوی آن مهمتر است. اگر چه ما در نظر داشتیم که در اینجا بصورت مختصر آثار برجسته هر اطاق را علیحده ذکر کنیم ولی چون ترتیب فعلی موزه بیک حال نیممانده، از ذکر جای اشیاء که چندان اهمیت هم ندارد، صرف نظر نموده با تذکر نمره هر پارچه به مطالعات آن میپردازیم:

الف - آثار گچی:

نمره 209: پارچه مکعب سنگ گچ. طول آن 30 سانتیمتر و ارتفاع آن 24 سانتیمتر. این پارچه به چهار طرف خود قرار ذیل چهار صحنه دارد:

- 1- بودا در حال رام کردن فیل.
- 2- بودا زیر درخت «بودهی».
- 3- بودا و طفلی که پیشگونی کرده میگوید که امپراطور آشوکا خواهی شد و بودا به او مشت خاکی میدهد.
- 4- برهما، اندرا و بودا.

نمره 744: مجسمه بزرگ بودا به ارتفاع یک متر و 21 سانتی در یلان راهنی.

نمره 746: مجسمه بودا که روی تخت نشسته و با انگشتان حرکت مراقبه را ادا میکند.

نمره 214: صحنه که مطابق افسانه های بودائی، بودا غول آدم خوار را از خوردن اطفال کوچک منع میکند.

نمره 32: صحنه که بودا از اسپ خود خدا حافظی میگیرد.

نمره 253: صحنه که چهار نفر تحفه دهندگان را که دوی آن حامل گل اند و بصورت نیم تنه زیر کمانی که بشکل نعل اسپ است، نمایش یافته اند، نشان میدهد.

نمره 289: صحنه که رب النوع ثروت را نمایش میدهد و بدست چپش نیزه میبازد.

نمره 261: رب النوع ثروت، شاخ فراوانی که علامه آنست در دست چپ گرفته، طرف راستش یک رساله ئی و طرف چپش یک سرباز پیاده ایستاده و در قسمت تحتانی صحنه دو شخص مشغول خالی کردن کیسه های پول میباشند.

نمره 236: سرباز، سر و پاهایش وجود ندارد. خنجر عریض و کوتاه به کمر آویخته است.

ب - آثار سنگی:

نمره 4: صحنه تقسیمات خاکستر بودا بعد از وفاتش. یکی از نمایندگان قبایل بالای شتر سوار با جمجمه که حایز خاکستر است به ملک خود مراجعت میکند.

نمره 43: صحنه که رفتن بودا را نزدیک زاهد برهمنی و قصه پت شدن مار او را در کجکول بودا نشان میدهد.

نمره 3: صحنه که طفلی بودا و مراجعت او را از باغ تولدش به شهر شاهی «کاپی لاواستی» نشان میدهد.

نمره 202: صحنه که یک نفر تحفه دهنده کوشانی را نمایش میدهد.

نمره 8: صحنه که «پانسی کا» رب النوع ثروت را با کیسه پول و یک نیزه ارائه میکند.

نمره 84: صحنه ملاقات یک شهزاده با یکنفر برهمن.

نمره 51: صحنه نطق بودا در محضر شبان ها.

نمره 62: یکنفر سرباز زره پوش.

نمره 1: صحنه جنگ آزمائی.

نمره 105: دو زاهد برهمنی به دست چپ خویش ظروف آب را گرفته اند و زیر چپری ئی که از شاخهای درخت تشکیل شده ایستاده اند.

نمره 40: صحنه افسانه که پسر عم بودا فیلی را کشته و برای آزار دادن بودا نعش او را در شهر انداخته است تا گنده شود و بوی بدهد. بودا آنرا از بالای دیوار شهر بیرون می اندازد.

علاوه بر صحنه های فوق الذکر در اطاق نمره دوم آثار هده به تعداد چندین صد سرهای خورد و بزرگ موجود است چنانچه 12 الماری اطراف دیوارها و یک الماری بزرگ 6 رخ وسط اطاق را مملو ساخته است. از میان سرها آنچه بیشتر قابل تذکر است، سر نمره 21 و نمره 170 است که رویه طرح موی آنها سبک جعد موی مجسمه های لطیف یونانی را ارائه میکند و برای مقایسه موسیو «هاکن J. Hackin» عکس سر اسکندر در «بریتش موزیم» لندن را پهلوی آن نصب نموده است. چون سرهای مجسمه بواسطه نازکی گردن از بدن زود جدا میشود و باز بواسطه پری کاسه سر زیاد دوام میکند، نسبت به بدن تعداد آنها در موزه بیشتر است و اگر چه امروز بدن های آنها نیست از روی طرح موی و اشکال گوش و سایر اختصاصات سیما بخوبی فهمیده میشود که فلان سر متعلق به کدام نوع شخص است چنانچه اگر کسی در اختصاصات صوری اشخاص صحنه های بودائی معرفت داشته باشد، ملاحظه میکند که در میان سرهای اطاق دوم آثار هده از بودا گرفته تا «بودیس اتوا» و راهب و شیطان و سرباز و روحانی و غیرروحانی و موسیقی نواز و گدا و غیره و غیره همه موجود اند.

آثار پایتاوه و بگرام:

پایتاوه و بگرام بسمت شمال کابل، اولی بفاصله ده کیلومتری جنوب شرق و دومی به 8 کیلومتری شرق «چاریکار» افتاده است. آثاریکه از این دو نقطه جلگه قشنگ و زرخیز کاپیسا بدست آمده همه سنگی و در میان آنها یکنوع مجسمه بودا که از شان هایش آتش و از کف های پایش آب میبارد، عمومیت دارد و معلوم میشود که این بودا در کاپیسا شهرت مخصوصی داشته چنانچه هیکل نمره 200 و نمره 196 آنرا ارائه میکند. پارچه دیگر پایتاوه که ذکرش در اینجا خیلی ضروری است، قاعده یک صحنه است که با نمره 205 در اطاق اول آثار هده گذاشته شده. این لوحه صحنه تاریخی را نشان میدهد که داخل شدن کوشانی ها را در دیانت بودائی ارائه میکند چنانچه در اطراف «بودیس اتوا» (میترا) دو سه نفر کوشانی به لباس ملی و موزه های نمدی تحایف در دست معلوم میشوند. برای تفصیل این صحنه و مجسمه های فوق الذکر پایتاوه در شماره 23 مجله کابل به مقاله «هیکل تراشی یونانو بودائی در کاپیسا» بقلم موسیو هاکن و ترجمه نگارنده مراجعه شود.

بعضی آثار مهم دیگر این دو مقام که در موزه کابل موجود اند قرار آتی است: نمره 229: لوحه بزرگی که چندین صحنه مختلف زندگانی بودا را نشان میدهد مانند صحنه تولدی، صحنه پیشگوئی یکنفر ساحر که قرار آن بودا پادشاه بزرگ خواهد شد، صحنه تهیه سفر بودا از خانه پدریش، ترک گفتن او از دنیا در یک باغ و غیره.

نمره 190: نمایش کدام زن بوضعیت ملکه «مایا» مادر بودا.

نمره 195: طفلی که به «هارتی Harti» رب النوع ثروت چیزی تقدیم میکند.

آثار بامیان:

بامیان که بفاصله 245 کیلومتری شمال غرب پایتخت واقع است از نقطه نظر اهمیت آثار بودائی با داشتن مجسمه های بزرگ 53 و 35 متری⁽³⁾ خود چنان مقام معروفی است که شهرت آن بخود و بیگانه پوشیده نیست. تا سال 1920 میلادی بامیان با شهرت جهانگیر خود در موزه کابل اثری نداشت. پس از حفاریات 1931 و کشقیات دیگری که در دره ککرک بعمل آمد و در نتیجه تصاویری زیادی از یک معبد کشف شد، امروز اطاق آبرومند بزرگی که در خور مقام تاریخی او است در موزه کابل اشغال کرده، آثار اطاق بامیان اگر چه کم و بیش بقایای تزئیناتی دو سه معبد علیحده را نشان میدهد اما رویهمرفته تمام آنها به دو دسته میتوان تقسیم نمود.

اول آثار زیر خاکی که از معبد (G) از مجاورت قریب پای هیکل 35 متری در اثر حفاریات 1931 کشف شده عموماً عبارت از سرهای کوچک گلی - چوبی است که هنوز سبک یونانی رویه استادان ماهر هده در آن مشاهده میشود.

دوم تصاویر دیواری رنگه که از معبد دره ککرک (5 کیلومتری جنوب شرق بامیان) در سال مذکور کشف شده و بهترین تابلوهای منقوش است که مهارت استادانه و قریحه بلند نقاشی و رسامی هموطنان ما را در قرن 4 و 5 مسیحی نشان میدهد. آثاریکه از معبد (G) بدست آمده در سه الماری کوچک گذاشته شده. مهمترین آن قرار آتی است:

نمره 118: سر یک شخص با بروت های بزرگ که میان قبایل افغان ما زیاد دیده میشود. بروت های بزرگ افتاده او قابل ملاحظه است.

نمره 74: مناصفه مقابل بدن شیر که پاهایش بصورت غیر طبیعی طرح شده و آثار الوان در آن مشاهده میشود.

نمره 120: سر شیطان که موهایش بصورت زبانه شعله آتش طرح شده و به این نسبت رنگ سرخ دارد.

نمره 121: سر یکنفر راهب که قسمت تحتانی صورتش شکسته است.

نمره 81 و نمره 92: سرهایی که با وجود مسافت بامیان از مکاتب هیکل تراشی هده در طرح موی، اثر نفوذ یونانی را ارائه میکند.

تصویر رنگه دیواری در الماری های شیشه ئی فوق العاده بزرگ مخصوص قرار گرفته است. قرار احتمال معبد دره ککرک که این تصاویر از آنجا کشف شده تا زمان ورود مسلمین یعنی اواخر قرن 9 مسیحی آباد بوده بودائیان چون هنگامه ورود عساکر اسلام را شنیدند دیوارهای منقوش معبد خود را به امید یک روز مبادا ورق کاگِل مالیده تا چشم مسلمانان به آن نه افتد و عجالتاً آنها خراب نکنند ولی به این خواب رفتند و فنا شدند و معبد همانطور با ورق گل تا سال 1931 میلادی پوشیده ماند و همین واسطه شد که بعد از یازده قرن سلامت بما رسید. این تصاویر در خود معبد در میان 8 دایره که یکی مرکز گنبد و 7 دیگر دیوارهای اطراف را پوشانیده بود، رسم شده بود چنانچه

فعالاً هم تماشا کننده در موزه چندین دایره بزرگ آنرا مشاهده میکند. موضوع تصاویر مذکور تصورات مذهبی بودائی بوده طوریکه در دایره مرکز گنبد یک «بودیس اتوا» بزرگ و 7 دایره اطرافی اشکال متعدد بودا را متناظراً نشان میداد. آنچه از نقطه نظر تاریخی اهمیت فوق العاده دارد تصویر یکنفر پادشاه کوشانی قرن 4 - 5 بامیان است که از شکار توبه میکند و فعالاً در موزه با دو تصویر دیگر بوده در یک پارچه از دیوار گنبد کنده شده و محفوظ است. نتیجه تاریخی که از مطالعات دقیق آن بدست آمده اینست که شاهان بامیان در تاج خود سه ماه نو طلائی و در میان هر کدام یک تابه نقره ئی را نصب میکردند. اگر این مواد با تاج شاهان دو سکه که از غزنی پیدا شده مقایسه شود معلوم میشود که واسطه و خویشاوندی بین آخرین شاهان کوشانی قرن 4 و 5 کابل زمین و بامیان قائم بوده. تفصیلات مزید درین مورد در اطاق بامیان بزبان فرانسه و فارسی تحریر است و شایقین برای معلومات مزیده در مقدمه ئی که بصورت اجمال تاریخی بقلم نگارنده در تمهید کتاب بامیان طبع شده مراجعه نمایند.⁽⁴⁾

علاوه بر اشیای فوق که از دو محل معینه بامیان و چند چیز دیگر مثل تصویر گراز جنگلی و دو مرغی که مشترکاً در نول های خود گلوبندی را گرفته اند و از سقف برنده سموچ (D) بدست آمده بعضی نوشته های سانسکریت هم از زمین معبد (G) حین حفریات کشف شده که قرار مطالعات موسیو «سیلون لوی» مستشرق فقید و یکتای فرانسه به رسم الخط عصر اخیر «گوپتا Gupta» روی پوست نازک درخت نوشته شده فعالاً در اطاق آثار بامیان میباشد.

در اطاق آثار بامیان علاوه بر چیزهای محلی، عکس های یک عده تصاویر رنگه هم موجود است که تاریخ آن به حوالی قرن 8 - 9 مسیحی یعنی بین صده اول و سوم هجری نسبت میشود که سر «اورل استین» عتیقه شناس معروف معاصر انگلیس از مقام «تون هونگ» آسیای مرکزی کشف نموده است. در میان این تصاویر تذکر یکی آن بی مورد نیست و آن تابلوئی است که «هیوان تسنگ» زائر معروف چینی را که در 622 (قرن اول هجرت) به زیارت مقامات آریانا و هند آمده بود با کتابهای نایابی که حین مراجعت از مملکت ما با خود میبرد، نمایش میدهد.

آثار کابل:

کابل پایتخت تاریخی ما که دامان کوهستان قشنگ و تپه های زیبای حصار آن قبل از جلگه فعلی محل بود و باش ساکنین آن بود، در ادوار مختلف، خصوص در عصر بودائی که مصادف به سلطنت شاهان یونانی کابلستان و کوشانیان و پهلواها و اسکائی ها میباشد، در قسمت های مرتفع حصار قشنگ خود معابد باشکوه، قلعه های مستحکم، میناره ها و عمرانات مذهبی مهم دیگر داشته. علاوه بر آنچه در اینجا مختصراً در مورد کابل فعلی اشاره نمودیم، کابل عصر بودائی در منطقه «شیوکی» به 8 کیلومتری جنوب شرق پایتخت

با تمام معانی شهر دیگری از خود داشت چنانچه تا حال اینجا بنام «خورد کابل» یاد میشود. پس کابل و حوالی قریب و متصل آن با مقامی که درین عصر و پیشتر داشته حتماً آثار زیادی در سینه خود دارد چنانچه از 1312 باینطرف حفریات تپه مرنجان، تپه خزینه و کوتل خیرخانه نتایج زیاد داده و عجالتاً تا حال آثار کابل در موزه خود دو اطاق مخصوصی را اشغال نموده است.

آثار تپه مرنجان:

تپه مرنجان که در حاشیه شرقی پایتخت افتاده در اثر حفریات 1312 نتایج خوبی داده که بدبختانه یک حصه آن بواسطه خامی مواد گلی آن پس از کشف شکسته است. بهر حال آنچه بسلامت به موزه رسیده و در اطاق اول آثار کابل نهاده شده مجسمه بودا و یک مجسمه بزرگ و قشنگ شهزاده «بودیس اتوا» است که به انواع زیورات فاخره مزین است و کمال مهارت استاد هیکل تراش کابلی را در علم تشریح و تناسب اندام ارائه میکند. در اطاق دوم مخصوص آثار کابل از آثار تپه مرنجان مجسمه دو نفر اعانه دهنده وحشی هندی (نمره 97 و 98) که هر دو شبیه هم به زانو نشسته اند یکی در دست چپ خود تاجی دارد و دست راست خود را برسم ادب روی سینه گذاشته دومی هر دو دست خود را به ترتیب سلام هندی پیش روی خود نگاه داشته. لباس آنها یکنوع جامه نمدی یا چرمی است که مانند البسه امروزی هند به دو طرف خود چاک خورده. علاوه برین دو سه ظرف کوزه نمای دیگر که در آن خاکستر و استخوان بود، هم از تپه مرنجان کشف شده و در اطاق اول آثار کابل موجود است. کوزه نمره 1030 بواسطه اشکال آهو در میان دایره های کوچک و کوزه دیگر که بی دسته و نوله دار است بواسطه نقوش رنگه خود قابل ملاحظه است.

آثار تپه خزینه:

تپه خزینه که به پوزه غربی شهر فراز قلعه هزاره های چنداول واقع است، از گوشه غربی حصار کوهستانی شهر آثاری داده که باعث رونق اطاق آثار کابل گردیده است. این معبد قراریکه از حفریات آن معلوم شده تا ورود مسلمین معمور بوده و بدست آنها آتش زده شده چنانچه تمام مجسمه های آنجا که از روی مواد گلی میباشند در اثر آتش سوزی به تیکر پخته تبدیل شده و حتی بعضی را دود حریق سیاه هم نموده است. این آثار امروز بصورت سرهای کوچک و اشکال مرغ ها به تعداد تقریباً 50 عدد در اطاق دوم آثار کابل چیده شده و تاریخ ساختمان آنها را میتوان بین قرن 4 و 5 مسیحی قرار داد.

آثار کوتل خیرخانه:

کوتل خیرخانه که به امتداد سرک کابل- کاپیسا بفاصله 5 کیلومتری شمال غرب کابل واقع است و حفریات آن در روزهای اخیر سال 1312 شروع شده

بود، چند پارچه مهمی داده که وجود آن برای تاریخ مذهبی کابل زمین خیلی مهم است زیرا تمام آن از یک معبد بزرگ برهنی کشف شده و مربوط به این دیانت میباشد و مهمترین آن مجسمه رب النوع آفتاب است که تاریخ آن را موسیو «هاکن» به اخیر قرن چهار و اوائل قرن پنج مسیحی نسبت میدهد و تفصیلات آن بصورت مقاله مستقل بقلم نگارنده در شمارهات مجله کابل شایع شده است و کتاب مستقلی که اخیراً در ین موضوع شایع شده بقلم شیوای دوست گرامی آقای رشتیا ترجمه شده و در زیر طبع است.

علاوه بر آثار فوق بعضی نقاط دیگر افغانستان هم مثل «گردیز»، «نجراب»، «لوگر»، «غوربند»، «قندوز» و غیره بصورت اتفاقی بعضی آثاری به موزه کابل داده اند مانند سر مرمری که از مقام اول الذکر و سر سنگی که از نجراب پیدا شده و بودا را در حال روزه نشان میدهد و اولی در اطاق آثار هده و دومی در اطاق آثار کابل میباشد.

آثار چوبی نورستان:

منطقه که بشمال شرق افغانستان بدامنه های جنوب سلسله هندوکوه مربوط حکومت اعلاى مشرقى امروز بنام نورستان و چهل سال قبل بنام کافرستان و نزد جغرافیه نویسان عرب به اسم لورستان یاد میشود، در موزه کابل در اطاق مخصوص خود یکعده مجسمه های چوبی دارد که در هیئت هیکل تراشی های اشخاص متوفی است و بعد از فتح این منطقه در زمان امیر عبدالرحمن خان بدست آمده است.

علاوه بر ین دو دسته آثاریکه شرح مختصر آن قرار فوق ذکر رفت، در موزه کابل یک عده اشیا دیگر و مخصوصاً مسکوکات زیادی است، از قبیل آثار بودائی و یونانی مکشوفه از غوربند (که شرح آن در شمارهات سال ششم مجله کابل بقلم موسیو هاکن درج شده) و آثار مکشوفه از قندوز که به تازگی بدست آمده و غیره و غیره که در اینجا بواسطه تنگی وقت و ضیق صفحات رساله مجبوراً از ذکر آنها صرف نظر نموده و در آتی با معلومات مفصلی که در دست است، بشکل کتاب مستقل به نظر خوانندگان عزیز خواهد رسید.

یادداشت ها:

- 1- موزه «Musée» کلمه فرانسوی است که در انگلیسی موزیم «Museum» میباشد.
- 2- تصاویر آثار مهمه موزه کابل در سالنامه های گذشته درج شده بنابراین از تکرار آن صرف نظر نموده تنها درج تصاویر تقسیمات داخلی موزه و حصص مخصوصه هر دسته اشیا اکتفا گردید. [با معذرت از عکس ها].

- 3- در سالهای دهه 1970 باستان شناسان هندی دریافتند که پاهای مجسمه ها دو متر پائینتر در زیر خاک قرار دارد، آنرا کاویدند و ارتفاع مجسمه ها به 37 و 55 متر رسید.
- 4- مدام و موسیو «گودار» و پروفیسور «هاکن»، "آثار عتیقه بودائی بامیان" مترجم و نویسنده مقدمه اجمالی احمد علی کهزاد. انجمن ادبی کابل 1315.
- 5- نا گفته نماند که حفاریات در دوره های مدنیت قدیمتر افغانستان تازه شروع شده و شواهدی که از نادعلی و سائر نقاط سیستان افغانی بدست آمده عجالتاً تا 4 هزار سال قبل از مسیح میرسد، لیکن تا حال هنوز پوره مطالعه نشده و به این لحاظ در موزه محفوظ ولی طرف نمایش هم قرار داده نشده است./